

Neyayesh Sahar

www.ketab.ir



شرح دعاء
ابو حمزه یثقالی

دکتر اسماعیل منصور لاریجانی



تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۱۴۲، ۳۷۷۴۱۴۵
 شماره: ۰۲۵-۳۷۷۴۱۴۵، ۳۷۷۴۱۴۸
 قم / خیابان صفائی / کوچه شماره ۳۸ / نبش کوی شهید گل دوست / پلاک ۲۸۴

سرسنانه
 عنوان و نام پدیدآور
 مشخصات نشر
 مشخصات ظاهری
 شابک
 وضعیت فهرست نویسی
 یادداشت
 شماره کتابشناسی ملی

منصوری لاریجانی، اسماعیل، ۱۳۳۷
 نیایش سحر (شرح دعای ابو حمزه تمالی)
 قم: خادم الرضا (علیه السلام)، ۱۳۹۴.
 ۲۹۲ ص.
 ۵ - ۰۸۱ - ۲۰۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸
 فبیای مختصر
 فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlia.ir> قابل
 دسترسی است
 ۳۷۹۹۲۸۳



شرح دعای ابو حمزه ثمالی
 دکتر اسماعیل منصور لاریجانی

ناشر: انتشارات خادم الرضا (علیه السلام)
 ویراستار: محمد حسن استادی مقدم
 طراح و صفحه‌آرایی: مرتضی فتح الهی
 چاپ: کوثر
 صحافی: براتی
 نوبت چاپ: دوم / زمستان ۱۴۰۱
 شمارگان: ۲۰۰ نسخه
 بها: ۱۲۰،۰۰۰ تومان

شابک: ۵ - ۰۸۱ - ۲۰۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸
 تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.

ارتباط با ما:

فهرست خیابان صفائی پنهان، گنجینه کوچه ۲۸، پلاک ۲۸۴
 ۳۷۱۹۵ - ۱۱۱۹



۰۲۵ - ۳۷۷۴۱۴۵ - ۳۷۷۴۱۴۲
 ۰۹۱۲ ۲۵۱ ۳۸۹ - ۰۹۱۲ ۲۴۶ ۱۲۰۵



صفحه اینستاگرام: @khademolreza
 نمایش تصویر، معرفی کتابها و مطالب مرتبط با انتشارات



فروشگاه مجازی: khademolreza.com
 با امکان خرید محصولات و بهره‌مندی از تخفیف ویژه



کانال سروش: @khademolreza
 اطلاع رسانی آخرین اخبار و تازه‌های نشر



سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۹۱۹۶۰
 عضویت در بانک داده‌های مشتریان با ارسال عدد ۱۱۲



فهرست

۷.....	مقدمه.....
۱۴.....	گفتار اول: خیر و سعادت نزد خداست.....
۱۷.....	گفتار دوم: خداشناسی.....
۲۲.....	گفتار سوم: خدا در مقام اجابت.....
۲۷.....	گفتار چهارم: تنها امید بندگان.....
۳۰.....	گفتار پنجم: عشق بی‌ریا.....
۳۵.....	گفتار ششم: همه‌ی راه‌ها و درها به سوی خدا باز است.....
۳۸.....	گفتار هفتم: عبد سالک و کوی قرب.....
۴۲.....	گفتار هشتم: قول حق و وعده‌ی صدق.....
۴۶.....	گفتار نهم: ورود به بارگاه.....
۴۹.....	گفتار دهم: ولع و طمع در دعا و تقاضا.....
۵۳.....	گفتار یازدهم: پیمانه‌ی عفو.....
۵۶.....	گفتار دوازدهم: دلیل ارتکاب به گناه.....
۶۲.....	گفتار سیزدهم: انتظار بخشش.....
۶۶.....	گفتار چهاردهم: چگونه شکر گزار باشیم؟.....
۷۱.....	گفتار پانزدهم: رابطه‌ی رب با عبد.....
۷۳.....	گفتار شانزدهم: تسلیم مشیت دوست.....
۷۷.....	گفتار هفدهم: عبد پناه‌جو.....
۸۱.....	گفتار هجدهم: طلب استغفار و توبه.....

۸۵.....	گفتار نوزدهم: طلب ذکر و طاعت
۹۸.....	گفتار بیستم: شکوه‌ها و گمانه‌ها
۱۰۵.....	گفتار بیست و یکم: اعتراف صادقانه
۱۱۲.....	گفتار بیست و دوم: توسل به قرآن و پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله)
۱۱۷.....	گفتار بیست و سوم: پافشاری بر طلب
۱۲۳.....	گفتار بیست و چهارم: گریه کردن به حال خود
۱۳۰.....	گفتار بیست و پنجم: خدا! غایت امید و اعتماد
۱۳۵.....	گفتار بیست و ششم: ذکر؛ غذای قلب
۱۴۲.....	گفتار بیست و هفتم: عجز و ناتوانی در محکمه‌ی الهی
۱۴۷.....	گفتار بیست و هشتم: غربت و تنهایی
۱۵۳.....	گفتار بیست و نهم: امید به عفو در قیامت
۱۵۸.....	گفتار سی‌ام: بارگاه دوست
۱۶۲.....	گفتار سی و یکم: صبر جمیل و قول صادق
۱۶۸.....	گفتار سی و دوم: طلب ذکر مخصوص
۱۷۴.....	گفتار سی و سوم: درباره‌ی شب قدر
۱۸۲.....	گفتار سی و چهارم: حبّ دوزخیان
۱۸۶.....	گفتار سی و پنجم: طلب حب و خشیت
۱۹۳.....	گفتار سی و ششم: طلب ایمان و بصیرت
۲۰۱.....	گفتار سی و هفتم: پناه از شرّ نفس و شیطان به خدای مهربان
۲۰۷.....	گفتار سی و هشتم: وعده‌ی عفو و رحمت
۲۱۳.....	گفتار سی و نهم: نیایش روان
۲۲۶.....	گفتار چهلم: طلب‌های زندگی‌ساز
۲۳۴.....	نیایش‌ها
۲۶۰.....	نعمه‌ها
۲۶۹.....	دوبیتی‌های عارفانه
۲۷۳.....	شور حاجات
۲۸۳.....	ترجیع‌بند عارفانه
۲۸۷.....	جلوه‌ی زهرا (سلام الله علیها)
۲۸۸.....	منابع

مقدمه

یکی از آداب مهم در اصلاح و تربیت نفس، دعا و نیایش است. مولای متقیان علی علیه السلام فرمود:

«أعجز النَّاسُ من عجز عن اصلاح نفسه»؛^۱

ناتوان‌ترین مردم، کسی است که از تربیت نفس خود عاجز باشد.

دعا و نیایش، این ناتوانی را از انسان می‌گیرد و به‌جای آن، توانایی اصلاح و تربیت نفس را عنایت می‌کند. کسی که به دعا و نیایش عادت کرده، یقیناً بهترین و سالم‌ترین نفس را داراست و از توانایی تربیت دیگران نیز برخوردار است.

دعا به معنی خواندن یا خواستن است؛ یا خواستنی است که با خواندن و ندای پروردگار همراه باشد.

هرچه خواستن و تقاضای ما بیشتر باشد، فیض الهی نیز بیشتر در ما

جاری می‌شود.

چون تقاضا بر تقاضا می‌رسد فیض آن دریا بدینجا می‌رسد
همه‌ی آنچه در آسمان‌ها و زمین هستند، از خدای عزیز و مهربان
تقاضا و تمنای فیض دارند و خداوند نیز پیوسته این تمنّا را اجابت می‌کند:
«یَسْتَلِهُ مِنْ فِی السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ»^۲

هر چه در آسمان‌ها و زمین است، از خدا استدعای فیض
دارد. خداوند نیز هر لحظه در مقام افاضه‌ی فیض است.
این، خواستنی است که با خواندن همراه نیست؛ یعنی زبان ندا نمی‌کند،
بلکه عین استدعای موجودات، طلب فیض از حق تعالی است.

ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست در حضرت کریم تمنّا چه حاجت است
اما در مورد انسان خواستن با خواندن حضرت حق - نظیر: یا الهی، یا
رب و... - همراه است؛ بدان جهت که انسان استعدادی قابل تغییر و انعطاف
دارد و با دعا و نیایش، می‌تواند استعداد و قابلیت‌های جدیدی در خود خلق
کند.

البته شرطش آن است که درست بخواهد و به دنبال تغییر سوءحال به
احسن حال باشد.

بدین ترتیب، تأثیر دعا و نیایش به معجزه شبیه است.

از آنچه در سایه‌ی دعای خالصانه و نیایش پاک برایت حادث می‌شود،
تعجب نکن؛ چراکه دعا سفیر نجات خداوند است و نیایش، آسمان پرواز و
گشایش روح توست. فرصت این پرواز و اعزاز را از دست نده و ارزش دعا و
نیایش را به طلب حاجت‌های دون‌مایه و حقیر ضایع نکن.

فردی از امام صادق (ع) سؤال کرد: خداوند متعال به بیگانگان عطا

می‌کند، ولی بنده‌ی مؤمن او که تضرع هم می‌نماید، حاجتش برآورده نمی‌شود.

امام علیه السلام فرمود: نفس دعا اعزاز مؤمن است و او را به معراج حضور می‌برد و به آستان قرب الهی می‌رساند. این نفس دعا، حقیقت نیایش است. جناب مولوی درباره‌ی بیان امام صادق علیه السلام گفت:

بنده‌ی مؤمن تضرع می‌کند او به غیر تو ندارد مستند
تو عطا بیگانگان را می‌دهی از تو دارد آرزو هر مشتبه‌ی
در جوابش گفت: نه از خواری اوست عین تأخیر عطا یاری اوست
بنده‌ی مؤمن همی داریم دوست گو تضرع آن که آن اعزاز اوست
ای عزیز! دعا، ضرب آهنگ نیایش است. خداوند عزیز و مهربان، نغمه‌ی
بنده‌ی عاشق را دوست دارد؛ زمانی این نغمه زیبا و دوست‌داشتنی است که
در قالب نیایش باشد.

نیایش؛ یعنی خدا را به اوصاف کبریایی و عظمت ربوبی ستایش کردن
و زیبایی‌های او را سرودن و دل را در فضای پرستش او به پرواز درآوردن و
ندای ارجعی را شنیدن و بیقرار وصال محبوب شدن و بالاخره حجاب‌های
نوری را دریدن و در آستان قدس او آرمیدن.

دعا و نیایش، اقتضای مقام عبودیت است. انسان در مقام عبودیت و
بندگی، هر دعایی بکند، مستجاب است، زیرا خداوند متعال فرمود:

«إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»^۱

هرگاه بنده و عبد من از من سؤال نمود، همانا من به او
نزدیکم و دعوت داعی را اجابت می‌کنم.

پس ای عزیز! تا عبد خدا نشوی، دعایت مستجاب نمی‌شود؛ اصلاً

اجابت عین اقتضای عبودیت است.

به همین دلیل، مولای متقیان علی علیه السلام فرمود:

محال است که خدا باب دعا را به روی عبد خود بگشاید و باب اجابت را ببندد:

«وَلَا يَفْتَحُ عَلَيَّ عَبْدٍ بَابَ الدُّعَا وَ يَغْلُقُ عَنْهُ بَابَ الْاجَابَةِ»^۲

پس با عبودیت باب دعا گشوده می‌شود و اقتضای او اجابت است؛ یعنی دعا و اجابت هر دو از خداست که در ساحت عبودیت نهفته‌اند. به قول مولوی:

این دعا از تو، اجابت هم ز تو ایمنی از تو، مهابت هم ز تو
انسان‌ها معمولاً از صفات بدی که در آن‌ها ملکه شده و به صورت
عادت درآمده است، رنج می‌برند. مثلاً فردی در او دروغ‌گویی به صورت
عادت درآمده یا از نفاق و ریا در عمل رنج می‌برد. این امراض، با دعا و
نیایش قابل درمان هستند، زیرا انسان در اثر دعا و نیایش، می‌تواند
اقتضانات زشت و منفی را در نفس خود به خوبی‌ها و پاکی‌ها مبدل کند و
استعداد تازه‌ای پدید آورد.

این تغییر و تحول را «بداء» می‌گویند؛ همچنان که زراره از امام
صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«مَا عَبْدَ اللَّهِ بِشَيْءٍ مِثْلَ الْبَدَاءِ»^۱

خدا به چیزی چون قاعده‌ی بداء پرستش نشده است.

یعنی انسان با دعا و نیایش، خود را در فضای وزش نفحات ربّانی حق
قرار می‌دهد؛ و این نفحه‌ی الهی به اقتضای دعا و طلب عبد سالک،

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۲۷.

۲. اصول کافی، ج اول، باب بداء.

استعداد جدیدی را به وجود می آورد که بی درنگ جایگزین استعداد قبلی می شود که عبد از آن تبری می جوید.

مراد خداوند متعال از کتاب محو و اثبات در قرآن کریم نیز همین است:

«يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّثُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»^۲

خدا آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می کند و اصل کتاب نزد اوست.

امام صادق (علیه السلام) در خصوص این آیه می فرماید:

«و هل يمحي إلا ما كان ثابتاً و هل يثبت إلا ما لم يكن»^۳

مگر نه این است که محو شود چیزی که ثابت بوده و ثبت شود چیزی که نبوده (و بداء چیزی جز این نیست).

بنابراین، هرگز از تربیت خود و دیگران ناامید نشو، که دعا سنگ را کیمیا می کند و با خلق «بداء»، تولدی دوباره به تو می بخشد.

تو می توانی با اراده و خواست خود، حتی حکم قضا و قدر را تغییر دهی. استاد شهید مطهری می فرماید:

«اختصاصاً اراده و خواست و عمل انسان می تواند عالم

علوی را تکان بدهد و سبب تغییراتی در آن شود و این

عالی ترین شکل تسلط انسان بر سرنوشت است. اعتراف

می کنم شگفت آور است، اما حقیقت است، این همان

مسأله ی عالی و شامخ «بداء» است که قرآن کریم برای

اولین بار در تاریخ معارف بشری از آن یاد کرده است.»^۴

همه ی این تحولات و اقتضائات، زمانی میسر است که تو به مقام

۱. رعد، ۳۹.

۲. اصول کافی، ج اول، باب بداء، حدیث ۳.

۳. انسان و سرنوشت، ص ۳۹۰.